

فصلنامه تاریخ روابط خارجی

سال هفدهم، شماره ۶۵، زمستان ۱۳۹۴، صص ۱۲۴-۱۰۷

بررسی روابط تجاری ایران و گورکانیان هند

در دوره شاه عباس دوم صفوی (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ق.)

علی اکبر کجیاف^۱

محسن شانه‌ای^۲

چکیده

همزمان با گسترش روابط سیاسی میان ایران و گورکانیان هند، روابط تجاری نیز آغاز شد. روابط در آغاز محدود بود و شاه عباس از حضور بازرگانان هندی در ایران جلوگیری می‌کرد. بنابراین، حجم مبادله کالا بین دو کشور بسیار ناچیز بود، اما بعد از مرگ شاه عباس اول، روابط تجاری با وجود اختلافات مرزی میان دو دولت گسترش یافت، چندان که گورکانیان هند به یکی از بزرگترین شرکای تجاری ایران در دوره صفویه تبدیل شدند. با حضور بازرگانان و عناصر فعال دو کشور در بنادر، شهرها و مراکز تجاری یکدیگر، روند تجارت میان ایران و گورکانیان هند در دوره شاه عباس دوم نسبت به دوره‌های قبل رو به افزایش و توسعه نهاد. با توجه به جایگاه مهم تجار هندی در اقتصاد ایران در زمان شاه عباس دوم، بررسی روند روابط تجاری دو کشور در این دوره، اهمیت خاصی دارد. اما روابط سیاسی تا چه حد بر روابط تجاری ایران و هند عصر شاه عباس دوم مؤثر بود؟ در این مقاله

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۱۰/۲

۱. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان Aliakbarkajbaf@yahoo.Co.uk

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان mostafa4161@yahoo.Com

کوشش شده است روابط تجاری ایران و هند در زمان شاه عباس دوم مورد بررسی قرار گرفته و میزان و نوع اجناس و کالاهای مبادله شده، مسیرهای بازرگانی و تأثیر روابط سیاسی بر تجارت دو کشور تشریح شود.

واژگان کلیدی:

ایران، صفویه، شاه عباس دوم، گورکانیان هند، روابط تجاری

مقدمه

تشکیل دولت صفوی، آغاز دوران جدیدی در ایران محسوب می‌شد، پس از چند قرن، نظام حکومتی ایران با دولت‌های قدرتمند اسلامی مانند عثمانی، قابل مقایسه بود. ایران در عرصه بین‌المللی به عنوان یکی از قدرت‌های جهان مطرح شد و توجه همسایگان و دولت‌های خارجی را به سوی خود جلب کرد؛ از این رو روابط سیاسی و تجاری ایران و کشورهای خارجی وارد دوران جدیدی شد. در آغاز دولت صفوی، آنچه برای ایران بیش از رابطه با دولت‌های اروپایی اهمیت داشت، ایجاد روابطی پایدار و سودمند با همسایگان بود تا بتواند ضمن گسترش قلمرو و حفظ حدود و مرزها، در رقابت با آنها به عنوان قدرت برتر منطقه شناخته شود. شاه اسماعیل پس از تبریز، عراق عجم و خراسان، تقریباً بخش بزرگی از قلمرو تاریخی ایران را زیر سلطه در آورد، اما نبردهای او در آن سوی مرز خراسان و آن سوی مرز آذربایجان، با موانع بزرگی به نام ازبکان و عثمانیان مواجه شد که حاکی از آغاز روابط خصمانه با دو دولت بود.

در باب رابطه‌هند و ایران در عصر صفوی، باید به این نکته توجه کرد که هند در این زمان به لحاظ سیاسی دارای دوسلسله حکومتی بود که هر دو ارتباط تنگاتنگی با دربار صفوی داشتند. در سال‌های آغاز حکومت صفوی، بابر شاه گورکانی که در منطقه افغانستان امروزی فرمان می‌راند، با یاری سپاه شاه اسماعیل صفوی توانست از مشکلات خود با ازبکان بکاهد (روملو، ۲: ۱۳۸۴/۱۰۶۱؛ وحیدقزوینی، ۱۳۸۳: ۳۵).

این روابط حسنه تا تشکیل دولت گورکانیان هند میان دربار صفوی و شاه بابر ادامه داشت. در هفتم رجب سال ۹۳۲ ق. بابر شاه توانست سپاه سلطان ابراهیم لودی افغان را شکست دهد و در پی آن با فتح دهلی و آگره امپراتوری قدرتمند گورکانی را در هند بنیاد نهاد (برازش، ۱۳۹۲: ۲۰۱). با آغاز فرمانروایی گورکانی در شرق ایران، وضعیت روابط این امپراتوری و دربار صفوی از حالت دوستانه نخست خارج شد، بدین سبب عمده که سیاست مذهبی دو حکومت تفاوت داشت: حکومت صفوی مروج مذهب شیعه بود، در حالی که گورکانیان به مرور بر مذهب تسنن پای فشردند.

گذشته از این موضوع، اختلافات مرزی دو حکومت بر سر مالکیت قندهار نیز، بر روابط آن دو تأثیر می‌گذاشت. در کنار این حکومت مقتدر در این بخش از هند، حکومت‌های کوچک در جنوب هند (دکن) نیز، با دربار صفوی ارتباط نزدیک داشتند؛ این حکومت‌ها اغلب بر مذهب تشیع بودند و به حکومت صفوی همچون حامی می‌نگریستند. در دربار این حکومت‌ها اغلب ایرانیان صاحب منصب بودند و به سبب دو عامل مذهب و حضور ایرانیان در دربار، روابط دوستانه‌ای با ایران نیز برقرار بود (نوایی، ۱۳۸۳: ۷۵ و ۴۷).

بنابراین، ایران عصر صفوی با دوحکومت درهند ارتباط داشت: از یکسو باگورکانیان وازسوی دیگر با حکومت‌های منطقه‌ای دکن. باید خاطر نشان کرد که در این مقاله هر جا سخن از هند به میان می‌آید، منظور حکومت امپراتوری گورکانیان هند است.

همزمان با آغاز روابط سیاسی و فرهنگی، روابط تجاری میان دو کشور نیز آغاز شد. در اوایل دوره صفوی، تجارت ایران در دست پرتغالی‌ها بود و ایران از تجارت ترانزیتی ناشی از سلطه آنها سودی نبرد، زیرا کالاهایی را که از هند به بخارا یا هرمز وارد می‌شد، بازرگانان پرتغالی به سایر نقاط می‌فرستادند و از تجارت با هند سودی به ایران نمی‌رسید. بالندگی اقتصاد پولی و رشد رونق و شکوفایی اقتصادی در دوره صفوی، در زمان سلطنت شاه عباس اول به اوج رسید و پس از آن سیر نزولی پیمود. بنابراین، در زمان این پادشاه نیز، می‌باید روابط تجاری ایران و هند مانند روابط تجاری ایران با کشورهای اروپایی گسترش می‌یافت. شاه عباس اول پس از آنکه ایران را از تهدید ترک‌ها و محاصره پرتغالی‌ها رهایی بخشید، توانست قندهار را در دست گیرد. پس از آن، سرحدات و راه‌ها باز شد و حجم مبادلات ایران و هند نسبت به دوره‌های قبل افزایش یافت، با این حال، از آنجا که شاه عباس اول مایل نبود پول از کشور خارج شود، میل نداشت که بانیان هندی در ایران بمانند و به تجارت بپردازند، زیرا سخت اهل رباخواری بودند. بنابراین، تجارت ایران با هند در زمان شاه عباس اول مانند روابط ایران با کشورهای اروپایی افزایش نیافت. در زمان جانشینان شاه عباس اول، به ویژه در دوران شاه عباس دوم که محدودیت‌های تجاری با هندیان از میان رفت، روابط تجاری با این کشور گسترش یافت و بسیاری از تجار هندی در ایران مقیم شدند (الاسلام، ۱۳۷۳: ۲۵۷).

آنچه در این مقاله بدان پرداخته خواهد شد، تشریح روابط تجاری میان دو دولت در زمان شاه عباس دوم است. تاکنون به سهم معاملات تجاری و میزان واردات و صادرات در دوران جانشینان شاه عباس اول به طور دقیق پرداخته نشده است. غالباً مرگ شاه عباس اول را آغاز دوران انحطاط و افول دولت صفوی دانسته‌اند، در صورتی که حوادث تاریخی در دوران جانشینان شاه عباس اول، به ویژه شاه صفی و شاه عباس دوم کمتر از دوره پیشین نبود. شاه صفی از هیچ نظر با عباس اول قابل مقایسه به نظر نمی‌رسد، اما چنانکه رویمر به درستی تأکید کرده است، اگرچه علائم کهولت و فرسودگی در دولت صفوی آغاز شد، اما دوره سیزده ساله شاه صفی را نمی‌توان آغاز انحطاط قدرت صفوی دانست. در دوره شاه عباس دوم معلوم شد که دولت صفوی همچنان می‌تواند به حیات ادامه دهد.

روابط سیاسی تجاری میان ایران و هند در دوره شاه عباس دوم، نسبت به دوران پیشین افزایش یافت. همزمان با پادشاهی شاه عباس دوم، شاه جهان و اورنگ زیب در هند به قدرت رسیدند و روابط کماکان مسالمت‌آمیز بود، اما بروز اختلاف بر سر مسأله قندهار و تحقیر اورنگ زیب از سوی شاه عباس دوم، روابط را مدتی تیره و تار کرد.

حال باید دید که بروز اختلافات مرزی چه تأثیری بر تجارت این دو منطقه داشت؟ آیا روابط سیاسی بر روابط تجاری مؤثر بود؟ آیا روابط تجاری مانند دوره‌های قبل ادامه یافت و تجار دو طرف همچنان آزادانه به معاملات تجاری می‌پرداختند؟ چه کالاهایی میان دو کشور مبادله می‌شد؟ با توجه به مسأله قندهار، مبادلات تجاری از چه راههایی انجام می‌گرفت؟ حضور تجار هندی در ایران و حضور تاجران ایرانی در هند چه تأثیری بر تجارت دو ملت داشت؟ در این مقاله، ضمن بررسی روابط تجاری ایران و هند در دوران شاه عباس دوم، به این پرسش‌ها نیز پاسخ داده خواهد شد.

نگاهی به تجارت با هند در دوره صفوی

گسترش فرایند تجارت در دوران صفویه از زمان شاه عباس اول آغاز شد: شاه عباس اول با ساخت جاده‌ها و به ویژه پل‌ها و کاروانسراها بر سر راه‌های اصلی، زیرساختی پدید آورد که برای بالندگی تجارت بسیار ضروری بود. طبق اسناد و شواهد سیاحان اروپایی، استقرار راهداران در نقاط کلیدی کشور، علاوه بر حصول درآمدهای مفید به صورت عوارض، مایه افزایش سلامت و امنیت مسافران و کاروان‌هایی بود که از ممالک مجاور وارد ایران می‌شدند. ایران در زمان شاه عباس اول به راحتی با کشورهای بزرگ اروپایی پهلو می‌زد و حتی از آنها برتر بود (فوران، ۱۳۸۳: ۵۰).

پس از شاه عباس اول و گسترش روابط تجاری با گورکانیان هند، زمینه‌های روابط تجاری میان این دو حکومت از طریق مسیرهای مختلفی شکل گرفت که هر کدام ویژگی خاص خود را داشت؛ این ویژگی‌ها حاصل نحوه روابط سیاسی میان این دو کشور بود.

راه‌های دریایی

راه‌های تجاری دریایی ایران و هند (گورکانیان) که بنادر عمده آنها سورت در هند و بندرعباس در ایران، بودند، قسمت چشمگیری از کل تجارت دو کشور را انتقال می‌دادند. اختلاف و نزاع میان ایران و گورکانیان هند بر سر قندهار در اواسط قرن هفدهم، موجب شد که راه‌های زمینی بسته شود، اما از آن سوی، حجم تجارت در راه‌های دریایی افزایش یابد. بیشتر کشتی‌های محلی از بنادر هندی می‌رسیدند، به ویژه از سورات که در دست گورکانیان هند بود.

با این همه، تجارت دریایی نیز هر از گاهی، تحت تأثیر نزاع‌ها بود؛ مثلاً در سال ۱۶۴۸م. در دوره شاه عباس دوم، شاه جهان صدور شوره^۳ را به ایران ممنوع کرد. شاهان ایران نیز به همان ترتیب هنگام تیرگی در روابط، صدور اسب به هند را متوقف می‌کردند (الاسلام، ۱۳۷۳: ۲۵۹).

بنادر خلیج فارس و اقیانوس هند و حمل و نقل میان آنها به عنوان بخشی از زیربنای اقتصادی، نقش مهمی در نظام تجاری دو کشور داشت. در دوره صفوی، جایگاه هرمز در تجارت میان خلیج فارس و بنادر هندوستان بسیار مهم بود و برتری آن تا سال ۱۰۳۱ق. / ۱۶۲۲م. ادامه داشت، اما پس از آنکه در این سال به دست نیروهای مشترک ایران و انگلیس افتاد، از آن پس، بندرعباس گسترش یافت و به پایگاه بزرگ تجاری در خلیج فارس و اقیانوس هند تبدیل شد. بنا بر گزارش تاورنیه، همه کشتی‌های بزرگی که از هندوستان برای ایران و عثمانی و سایر نقاط آسیا و اروپا مال التجاره حمل می‌کردند، در بندر عباس لنگر می‌انداختند. در هنگام ورود کشتی‌ها، تجاری که غالباً ایرانی و هندی و ارمنی بودند، در آنجا حاضر می‌شدند (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۶۸۸).

تجارت در خلیج فارس و اقیانوس هند با دشواری‌ها و خطرات بسیار نیز مواجه بود: همچون نزاع میان کمپانی‌های اروپایی که کشتی‌های جنگی داشتند، دزدی دریایی و مسائلی از این دست. از سال ۱۶۶۴م. (زمان شاه عباس دوم) تا پایان سده هفدهم، مزاحمت‌های مه‌اراجه‌های هندوستان از یک سو و کشمکش‌ها میان کارگزاران کمپانی هند شرقی انگلیس و پادشاهان گورکانی از سوی دیگر، آثار ناخوشایندی بر روابط تجاری هند و ایران از طریق دریا نهاد (ویلسون، ۱۳۶۶: ۱۹۸-۱۹۷).

راه‌های خشکی

راه‌های پرشماری در خشکی، دو کشور را به هم متصل می‌کرد: راه معروف باستانی ماوراءالنهر از هرات و کابل، یا از هرات و قندهار به هند می‌رسید. راهی نیز کابل و قندهار را به هم پیوند می‌داد. از سیستان هم، راهی از کویر می‌گذشت و به قندهار می‌رسید. چنانکه از نوشته‌های جغرافی‌دانان مسلمان برمی‌آید، این همان راهی بود که مسلمانان در آغاز اسلام برای فتح قندهار و دیگر نواحی از آن عبور کردند (لسترنج، ۱۳۶۴: ۳۷۲).

در دوره صفویان، بازرگانی ایران از راه مشهد- هرات- کابل تا بخارا و بلخ می‌رسید و این دو شهر همچون گذشته، مرکز توزیع کالاهای ایرانی و هندی بود (کمبریچ، ۱۳۸۹: ۲۴۰). البته راه مشهد- هرات- قندهار مهم‌ترین و پررونق‌ترین راه تجاری خشکی میان ایران و هند محسوب می‌شد و تا پیش از گشایش راه دریایی جنوب آفریقا، همچنان اهمیت چشمگیر داشت و کاروان‌های بزرگ مال التجاره، پیوسته در آن در رفت و آمد بودند. تاورنیه که سه بار از هندوستان به ایران مسافرت کرده بود، دوبار از همین راه گذشت. بر اساس گزارش وی، تاجرانی که می‌خواستند از مسکو، لهستان و ایالات شمالی عثمانی، بدون رفتن به اصفهان و هرمز به

^۳. ماده‌ای که در ساخت باروت به کار می‌رفت.

هندوستان بروند، باید از قزوین به طرف شرق حرکت می‌کردند و از ایالات گرگان و خراسان و قندهار می‌گذشتند، اما تجار، راه اصفهان به قندهار را ترجیح می‌دادند. تاورنیه، مسافت راه اصفهان تا قندهار را ۲۹۵ فرسنگ (حدود ۵۰ منزل) نوشته است (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۶۹۷-۶۹۵)

قندهار نقطه آغاز تجارت خشکی میان هند و ایران بود و از اهمیت این راه، با وجود جاذبه‌های راه دریایی، در طول سده هفدهم هیچ گاه کاسته نشد. در دوره‌ای که ایران و پرتغال بر سر هرمز در ستیز بودند، یا اعراب مسقط و دزدان دریایی، راه‌هایی را ناامن کرده بودند، بسیاری از کاروان‌ها از خشکی و از راه قندهار می‌گذشتند؛ در ضمن خود قندهار نیز بازار مناسبی برای داد و ستد بود. اندکی پس از فتح قندهار در سال ۱۰۵۸ ق. مسافری انگلیسی بر این باور بود که قندهار عواید سرشاری نصیب ایران خواهد کرد (کمبریچ، ۱۳۸۹: ۲۶۱). گرچه رفت و آمد کاروان‌ها از راه قندهار، در زمان یورش ازبکان، یا هنگام جنگ و نزاع بر سر تصرف قندهار، دچار وقفه می‌شد.

گورکانیان در زمان شاه صفی قندهار را تصرف کردند، اما در زمان شاه عباس دوم بار دیگر این شهر به دست ایرانیان افتاد، با این همه گورکانیان از پای نشستند و بارها برای باز پس‌گیری قندهار اقدام کردند. (برازش، ۱۳۹۲: ۸۱۰-۷۹۶). به این سبب، از این راه خشکی، در زمان شاه عباس دوم کمتر استفاده می‌شد.

وضعیت تجارت در دوره شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ ق)

پس از مرگ شاه عباس اول، از رونق تجاری به تدریج کاسته شد. از میان جانشینان شاه عباس اول، تنها شاه عباس دوم بود که به آبادانی و بهبود اوضاع تجارت اهمیت می‌داد. شاه عباس دوم در سال ۱۰۵۲ ق که تنها ده سال داشت، به سلطنت رسید. (صفاکیش، ۱۳۹۰: ۵۴۷ و ۱۱۱).

هر چند که شاه عباس دوم می‌کوشید تا همچون جدش شاه عباس اول باشد، اما از ناکامی‌های او در این راه بسیار می‌توان نوشت. در واقع پس از مرگ شاه عباس اول، جنگ‌های متوالی بین خاندان صفوی و سران قزلباش و دست‌اندازی کشورهای بیگانه، ناامنی گسترش یافت و علی‌رغم کوشش شاه عباس دوم، تجارت عصر صفوی در این زمان و به ویژه در زمان جانشینانش، رو به زوال نهاد؛ چندان که در سال ۱۰۷۶ ق. / ۱۶۶۵ م. هشت هزار تومان از عایدات بندری کاسته شد. علاوه بر این، شمار مسکوکات نقره نیز کاهش یافت: در زمان شاه عباس اول، پول نقره در ایران فراوان بود، زیرا بازرگانان ارمنی که از ایران ابریشم و امتعه دیگر به اروپا می‌بردند، در مقابل آن، گذشته از امتعه فرنگی، مقداری نقره وارد می‌کردند که به مصرف ضرب سکه می‌رسید، اما در زمان شاه عباس دوم، آرامنه بیشتر سکه‌های فرنگی طلا همراه می‌آوردند و از فروختن آنها خودداری می‌کردند، بنابراین از شمار مسکوکات نقره کاسته شد (فلسفی، ۱۳۴۲: ۲۶).

یکی از تغییراتی که در زمان شاه عباس دوم بر امر تجارت تأثیر چشمگیر داشت، تفاوت دیدگاه این شاه با نگاه شاه عباس اول در زمینه‌های دینی است. شاه عباس اول برای توسعه تجارت خارجی، امتیازاتی برای تجار خارجی در ایران در نظر می‌گرفت، همچون آزادی عقیده و اجرای مراسم مذهبی. شاه عباس اول در صدد بود نظر بازرگانان اروپایی را برای تجارت در ایران جلب کند و به همین سبب، به طریقت‌های مختلف کاتولیک اجازه داد در ایران صومعه تأسیس کنند. به نوشته تونو که در سال ۱۰۷۵-۱۰۷۴ ق. در ایران بود: «ایرانی‌ها برای بیگانگان با هر مذهبی، آزادی عقیده کامل قائلند»، اما این توصیف، در باره جانشینانش، از جمله شاه عباس دوم که در زمان سلطنت او، تونو به ایران آمد، کاملاً صدق نمی‌کرد (سیوری، ۱۳۸۷: ۱۹۵-۱۹۴).

چون شاه عباس دوم به سلطنت رسید، در ۱۰۵۶ ق. شاه جهان جان‌نثار خان نامی را با هدایایی به دربار ایران فرستاد. همزمان با ورود جان‌نثار خان به اصفهان، دو سفیر دیگر میرعزیز و ارسلان بیک به عنوان فرستادگان سیاسی هند وارد ایران شدند و شاه عباس دوم از آنها استقبال کرد و حتی با آنها به شکار می‌رفت (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۸۴).

در سال ۱۰۵۸ ق. شاه عباس دوم از اصفهان روی به جانب خراسان نهاد و شاهقلی بیگ ولد مقصود بیگ را به دربار شاه جهان فرستاد و از وی خواست تا قندهار را پس دهد و چون پاسخی نشنید، در ۱۰۵۹ ق. طی حمله‌ای آنجا را بازپس گرفت. بدین ترتیب و بر اثر کدورت سیاسی، تا آخر دوران شاه جهان، سفیری میان دو کشور مبادله نشد. با جلوس اورنگ زیب بر تخت سلطنت، شاه عباس دوم، بوداق سلطان چوله را با هدایای بسیار نزد وی فرستاد (همان: ۲۹۰).

در سال ۱۰۷۴ ق. تربیت خان، به عنوان سفیر اورنگ زیب به ایران آمد، با هدایایی به قیمت هفت صد هزار روپیه و نامه‌ای برای شاه عباس دوم. دو سال بعد، شاه عباس دوم به سفیر هند اجازه مرخصی داد و همراه او هدایا و نامه‌ای نیز برای اورنگ زیب فرستاد. در نامه شاه اشاره‌ای هم به حمله ایران به هند شده بود که موجب آزرده‌گی خاطر اورنگ زیب شد و روابط سیاسی دو کشور به سردی گرایید (شهریار نقوی، ۱۳۵۱: ۶۹).

روابط تجاری ایران و هند در دوره شاه عباس دوم

هند یکی از بزرگترین شرکای تجاری ایران در آسیا و اروپا بود و بسیاری از بازرگانان دو کشور در بنادر، شهرها و مراکز تجاری یکدیگر، چرخه عظیمی از داد و ستد را به حرکت در می‌آوردند. بنابراین، بنیان هندی در امور حیاتی تجارت پایتخت و بنادر ایران موقعیت خاصی داشتند و شاید بتوان گفت که پس از آرامنه، مهم‌ترین جامعه خارجی در ایران بودند.

بازرگانان بسیاری هم از ایران به هند می‌رفتند، اما تأثیر آنها بر روابط اقتصادی چندان وسیع نبود، بلکه تجار هندی بودند که به گسترش روابط اقتصادی صفویان با گورکانیان یاری می‌رساندند (الاسلام، ۱۳۷۳: ۲۵۷). بانیان یا هندی‌های گجراتی، مهم‌ترین تجار در حمل و نقل تجاری با هند شناخته شده‌اند. آنها در حوزه خلیج فارس فعالیت می‌کردند و شبکه ارتباطی آنها از سمت غرب تا دریای سرخ امتداد می‌یافت. در تجارت داخلی هم بازرگانان هندی در شهرهای بزرگی چون شیراز، کرمان، کاشان، اصفهان، تبریز و اردبیل مشغول تجارت بودند. آنها در بازارچه‌ها، تیمچه‌ها و کاروانسراهای خاص خود را داشتند و مهم‌ترین نقش تجاری بانیان، تأمین اعتبار و معاوضه پول رایج بود.

آنها به سبب اشتها در صرفه‌جویی و زیرکی در امور مالی، به کار صراف‌ی می‌پرداختند و در ازای خدمت حق‌العمل می‌گرفتند. در قلمروهای اسلامی به سبب تحریم رباخواری، صراف‌ی شغل اقلیت‌های مذهبی بود. افزون بر این، بانیان به مسکوکات محک می‌زدند تا از عیار فلز و وزن آن اطلاع یابند و از این طریق، خدمت شایانی به بازرگانان می‌کردند. در ایران، بانیان پس از نیمه‌های قرن هفدهم میلادی، معروف‌ترین صرافان بودند.

بانیان هندی گذشته از امور شبیه به بانکداری، در زمینه تجارت نیز فعال بودند. آنها بیشتر به تجارت خرده فروشی می‌پرداختند و به عنوان شرکای تجاری با روسیه نیز شناخته شده‌اند.

شمار صرافان در زمان شاه صفی و جانشینانش افزایش یافتن و انواع سکه‌ها از جمله: پیاستر، چکون، ریال، دلار، ریکس، دوکات، پاگودار وارد ایران می‌شد و نیاز بود که نوسانات آنها در تبادل با یکدیگر و نیز اختلافاتشان با مسکوکات نقره ایران، یعنی عباسی و شاهی و واحدهای مربوطه و تومان، دقیقاً محاسبه شود (کمبریچ، ۱۳۸۹: ۲۶۰).

چنانکه اشاره شد، شمار صرافان هندی در دوره بعد از شاه عباس اول در ایران افزایش یافت. تاورنیه شمار آنها را دوازده هزار نفر ذکر کرده است (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۴۰۹). بازرگانان هندی بیشتر در اطراف بازار میدان نقش جهان و کاروانسراهای اطراف آن به کار تجارت می‌پرداختند. شاردن ضمن اشاره به حضور تجار هندی در زمان شاه عباس دوم نوشته است: در سمت راست میدان شاه جنب کاروانسرای شاه، کاروانسرای لله بیگ قرار دارد که مشحون از هندیان و کالاهای گرانبه‌های هندوستانی است. همچنین شاردن به کاروانسرای مولتانیان در اصفهان اشاره کرده است که در کنار بازار زیبایی به همین نام واقع شده بود (شاردن، ۱۳۷۲: ۴ / ۱۴۴۰). در بازار شاه نیز، منسوجات و جامه‌های زربفت و گلدوزی و قلابدوزی به وفور دیده می‌شد (شاردن، ۱۳۵۰: ۷ / ۱۸۰). بهره بالایی که هندوها مطالبه می‌کردند، تأثیری انحصاری و غیرسالم بر بازار پول داشت و آنان تمام درآمدهای خود را به صورت فلزات گرانبه‌ها به هند می‌فرستادند. شاردن با اندکی تعجب، آنها را مکنندگان خون توصیف می‌کند (الاسلام، ۱۳۷۳: ۲۸۵).

در زمان شاه عباس دوم، همهٔ خارجی‌ان مقیم اصفهان از جمله هندیان، تحت حمایت مستقیم شاه قرار داشتند و به دعاوی خارجی‌ان و حکام و مردم شهر، با نظارت شخص شاه و در دیوان خانه رسیدگی می‌شد و در اکثر موارد، شخص شاه به سبب توجه به امر تجارت و فراهم آوردن زمینه‌های مساعد جهت فعالیت‌شان، طرف آنها را می‌گرفت. برای نمونه در زمان شاه عباس دوم، اختلافی میان هندی‌ها و محمد صالح فرزند حکیم سیف‌کاشی ضابط و جوهه عشور بندرعباس پیش می‌آید که شاه با علما مشورت کرد و به نفع هندی‌ها رأی داد (وحید قزوینی، ۱۳۲۹: ۳۰۶-۳۰۵).

صادرات و واردات کالاها در زمان شاه عباس دوم

در این دوره، خشکبار، ابریشم، ساغری، تیماج و کرک کرمان از مواد مهم صادراتی بود، اما میزان صادرات و واردات این کالاها به طور دقیق مشخص نیست.

کالاهایی که تاجران ایران و هندوستان داد و ستد می‌کردند، بسیار گوناگون بودند: ابریشم خام، پارچه‌های حریر، قالی، پشم، سنگ‌های قیمتی مثل فیروزه، خشکبار و تنباکو. بیشترین مقدار ابریشم در دورهٔ شاه صفی و شاه عباس دوم و شاه سلیمان تولید می‌شد و تاورنیه به تجارت ابریشم در زمان شاه عباس دوم اشاره کرده است (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۱۸۵). به نوشتهٔ او، در ۱۰۸۱-۱۰۷۰ ق. / ۱۶۷۰-۱۶۶۰ م. تولید سالیانهٔ ابریشم در ایران به ۷۵۰/۰۰۰ کیلوگرم می‌رسید که بخش قابل توجهی از آن صادر می‌شد (سیوری، ۱۳۸۷: ۱۹۴). بهترین ابریشم تولیدی ایران معروف به میلانی در خراسان به عمل می‌آمد (فلور، ۱۳۵۶: ۳۷). در اواخر سدهٔ هفدهم به سبب گرانی قیمت نسبت به ابریشم هندوستان، ابریشم مهم‌ترین کالای صادراتی ایران نبود و در ۱۰۵۹ ق. ابریشم بنگال برای کمپانی‌های هند شرقی ارزان‌تر تمام می‌شد (سیوری و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۰۰). از این رو جای ابریشم را کرک راور، واقع در ۷۰ مایلی شمال کرمان گرفت (لاکهارت، ۱۳۶۸: ۴۳۸).

تاورنیه در بارهٔ تجارت این کرک در زمان شاه عباس دوم نوشته است: «در اواخر سنهٔ ۱۰۵۷ ق. / ۱۶۴۷ م. در سفر سوم به ایران در اصفهان یکی از پارسیان قدیم را که آتش پرست هستند ملاقات کردم از حال این پشم (کرک) از او تحقیقات نمودم. او یک نمونه به من نشان داد، معلوم شد که منبع اصلی این قسم پشم ایالت کرمان است که همان کارمانی قدیم باشد. در کوه‌های مجاور شهر، که به همان اسم ایالت نامیده می‌شود، علف‌هایی می‌رویند که این خاصیت به آنها اختصاص دارد. گوسفندهایی که در آن کوه‌ها از ماه ژانویه تا مه از علف‌های تازه چرا می‌کنند، تمام پشم بدنشان به خودی خود در می‌آید و بدن گوسفند را چنان عریان می‌کنند که به برهٔ خوک شیری شبیه می‌شوند که پشم آنها را چنانکه در فرانسه معمول است با مقرض بچینند، پس از آن پشم‌ها را می‌زنند، خشن و درشت آنها می‌رود، کرک لطیف و نازکی باقی می‌ماند که بعد از جمع‌آوری اگر بخواهند به جایی حمل و نقل کنند باید روی آن آب نمک بپاشند که بید نیفتد و فاسد نشود. این پشم را ابداً رنگ نمی‌کنند، بالطبع رنگشان یا خرمائی روشن یا فلفل نمکی خاکستری‌ست، سفیدش بسیار کم یافت

می‌شود و خیلی گران‌تر است به جهت اینکه هم نادر است و هم مصرف زیاد دارد. تمام گبرها در ایالت کرمان متوطن شده و تجارت این پشم متعلق به آنهاست. از این پشم شال می‌بافند که در ایران به کمر می‌بندند و یکنوع پارچه لطیف نازکی هم از آن ترتیب می‌دهند که به پارچه ابریشمی شبیه می‌شود. من دو طاقه از آن شال‌های خیلی لطیف اعلی به فرانسه آورده و یکی را به ملکه والدۀ مرحومۀ شاهان دوتریش^۴ و دیگری را به مادام لادوسس دورلثان^۵ تقدیم کردم» (تاورنیه، ۱۳۶۳: ۱۸۵).

از کالاهای دیگری که در زمان شاه عباس دوم در هندوستان خریداران بسیار داشت، روناس بود. از ریشه سرخ رنگ این گیاه در رنگرزی بسیار استفاده می‌شد. تقریباً همه رناس ایران را به هندوستان صادر می‌کردند. بنا بر گزارش تاورنیه، گاهی چند کشتی با هم به هرمز می‌آمدند، با بار روناس یا کاروان‌هایی که بار همگی آنها روناس بود (همان: ۶۰۳). همچنین ساغری^۶ و تیماج^۷ که به مصرف کفاشی می‌رسید، از اقلام صادراتی به هندوستان بود. قالی از اقلام مهم صادراتی دوره صفوی شمرده نمی‌شد و در خلال ادوار طولانی جنگ عثمانیان با صفویان، برای اروپاییان خرید قالی از عثمانی سریع‌تر و ساده‌تر و ارزان‌تر از ایران بود. قالی‌های ایرانی در دوره صفوی به هند و مستعمره پرتغالیان در گوآ صادر و بخشی از آن هم با کشتی‌های کمپانی هند شرقی هلند به بازارهای هلند و لندن صادر می‌شد (سیوری و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

در کنار صادرات این محصولات، بخش مهمی از صادرات ایران به هند میوه، مربا و خشکبار بود. بهترین خربزه‌های ایران که در خراسان به بار می‌آمد، عمدتاً به هند صادر می‌شد. شاردن در اگره و سورات، از خربزه‌های ایرانی خورده بود و به نوشته او، با گذشت سی تا چهل روز راه تا رسیدن به آن نواحی، خراب نمی‌شد (شاردن، ۱۳۵۰: ۷/ ۷۶-۷۷). به نوشته شاردن و تاورنیه، اسب، قاطر، توتون و تنباکو، خرما، شیره، عرقیات و گلاب، عطریات، بهار نارنج، پسته قزوین و ملایر، بادام یزد و کرمان، کشمش، پادزهر، انقوزه، مازو، زرنیخ، خاک سرخ و دیگر محصولات معدنی از جمله صادرات ایران به هندوستان بود (باستانی پاریزی، ۱۳۵۷: ۱۲۸).

در هند، شهر اگره مرکز و پایگاه مهم بازرگانان ایرانی و هندی محسوب می‌شد و بیشتر مال التجاره آن را ابریشم، پارچه، احجار کریمه چون یاقوت، الماس و مروارید تشکیل می‌داد (کمبریج، ۱۳۸۹: ۲۳۹-۲۳۸). بازرگانان ایران، انبوهی از کالاهایی را که از هند می‌آوردند، دوباره صادر می‌کردند و از این راه، سود سرشاری می‌بردند: ادویه، پارچه، پوست، مس، آهن، فولاد هندی، فلزات قیمتی و مسکوکات. از مهم‌ترین اقلام وارداتی، منسوجات به ویژه پارچه‌های پنبه‌ای بسیار متنوعی بود که تاجران محلی و کمپانی‌های هلندی و انگلیسی از هندوستان وارد می‌کردند. بخشی از این کالاها به مصرف داخلی می‌رسید و بخشی دیگر دوباره به

^۴. An-Dotrish

^۵. Madam Ladosess

^۶. پوست دباغی شده اسب و الاغ

^۷. پوست دباغی شده بز

کشورهای همسایه و ممالک دیگر صادر می‌شد. کالای وارداتی دیگر، فولاد معروف هندی بود که به مصرف اسلحه‌سازی می‌رسید. زمرد از کانی‌های ارزشمندی بود که به نوشته شاردن از ساحل کوروماندل واقع در ناحیه شرقی هند استخراج و همانند فلزات دیگر چون مس و آهن وارد ایران می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲: ۴/۱۰۱).

پودر شکر، قند، زعفران، هل، کافور، قهوه، تمر هندی و ادویه جات، برنج، چوب، جواهرات، ظروف شیشه‌ای، کارد، چنگال، کهربا برای تسییح، مرجان، چینی‌آلات، عاج و خرده‌ریزهای صنعتی از دیگر محصولات وارداتی بود (کمبریج، ۱۳۸۹: ۲۷۴ و ۲۳۹/تاورنیه، ۱۳۶۳: ۵۹۹). مهم‌ترین اقلام وارداتی، منسوجات و ادویه هندی بود که به قول فرایر، بازارهای ایران را تسخیر کرده بود (کمبریج، ۱۳۸۹: ۲۷۳). حجم انبوهی از کالاهای هندی که سالانه به کشور می‌آمد، موجب برهم خوردن موازنه تجاری به زیان ایران می‌شد و ایران، برای برقراری موازنه بازرگانی، ناگزیر مسکوکات و فلزات قیمتی خود را از دست می‌داد.

صادرات و واردات کالاهای ایران در عصر صفوی به هند

| دوره شاه عباس اول | دوره شاه عباس دوم | |
|--|--|------------------------------|
| ابریشم، روناس، شوره، مروارید، گلاب منسوجات | ابریشم خام، پارچه‌های حریر، قالی پشم، سنگ‌های قیمتی، خشکبار، توتون و تنباکو، کرک روار، روناس، ساغری تیماج، میوه، مربا، خشکبار، اسب، قاطر خرما، شیر، عرقیات و گلاب، عطریات بهار نارنج، پسته، بادام، کشمش، پادزهر، انقوزه، مازو، زرنیخ، خاک سرخ و دیگر محصولات معدنی | کالاهای صادراتی ایران به هند |
| مس، آهن، فولاد، چلوار سفید، پارچه هندی، کمر بند، پارچه‌های رنگی، انواع خشکبار، فلوس، هل، | ادویه، پارچه، پوست، مس، آهن، فولاد هندی، فلزات قیمتی، مسکوکات، زمرد منسوجات، پودر شکر، | کالاهای وارداتی ایران از هند |

| | | |
|--|--|--|
| قند، زعفران هل، کافور، قهوه، تمر هندی و ادویه جات، برنج، چوب، جواهرات، ظروف شیشه‌ای، کارد، چنگال، کهربا برای تسبیح، مرجان، چینی آلات، عاج و خرده‌ریزهای صنعتی | صمغ، کافور، قهوه تمبر هندی، بسته‌های طناب و تاقه‌های نخ پشم، ادویه | |
|--|--|--|

نتیجه

گرچه شاه عباس دوم نتوانست همچون نیای خود، شرایط تجاری را در حدّ عالی نگه دارد، اما با بررسی نقش هندی‌ها در تجارت ایران آشکار می‌شود که در دوران این پادشاه، بازرگانان و صرافان هندی در شهرها و بنادر ایران همچون شیراز، کرمان، کاشان، اصفهان، تبریز، اردبیل و بندرعباس حضور داشتند و تأثیر آنها بر تجارت، به مراتب بیشتر از دوران عباس اول بود. هر چند که روابط ایران و هند در برهه‌ای به سبب مسأله قندهار دچار تنش شد، اما این اختلافات تأثیر چشمگیری بر روابط تجاری ایران و هند نداشت.

تجار هندی و بنگالی در شهرهای بزرگ بازار و تیمچه مخصوص داشتند و از طریق راه‌های دریایی و زمینی، کالاها میان هند و ایران مبادله می‌شد. مهم‌ترین راه خشکی میان این دو سرزمین، راهی بود که از قندهار به هند می‌رسید. اما در نزاع بر سر قندهار، این راه و دیگر مسیرهای زمینی بسته شد و تجارت از راه‌های دریایی افزایش یافت؛ چندان که حتی بعد از باز شدن راه‌های زمینی نیز از اهمیت راه‌های دریایی کاسته نشد. گو اینکه راه‌ها و تجارت دریایی هم گاه تحت تأثیر خصومت‌ها قرار می‌گرفت. بنادر خلیج فارس و اقیانوس هند و حمل و نقل میان آنها، به عنوان بخشی از زیر بنای اقتصادی، نقش مهمی در نظام بازرگانی دو کشور داشت.

کالاهایی که در این زمان میان دو کشور مبادله می‌شد بسیار متنوع بود. مهم‌ترین کالای صادراتی ابریشم بود، اما به سبب بهای بسیار بالای این محصول، به تدریج کرک کرمان جای آن را گرفت. رناس، ساغری، تیماج، خشکبار، میوه، مربا، فرش، اسب، قاطر، توتون و تنباکو، خرما، شیره، عرقیات و گلاب، عطریات، بهار نارنج، پسته قزوین و ملایر، بادام یزد و کرمان، کشمش، پادزهر، انقوزه، مازو، زرنیخ، خاک سرخ و دیگر محصولات معدنی از جمله صادرات ایران به هندوستان بود. در مقابل، ادویه، پارچه، پوست، مس، آهن، فولاد هندی، فلزات قیمتی و مسکوکات، پودر شکر، قند، زعفران، هل، کافور، قهوه، تمر هندی و ادویه جات، برنج، چوب، جواهرات، ظروف

شیشه‌ای، کارد، چنگال، کهربا برای تسبیح، مرجان، چینی آلات، عاج و خرده ریزهای صنعتی به ایران وارد می‌شد.

منابع و مأخذ

- الاسلام، ریاض، ۱۳۷۳، تاریخ روابط ایران و هند (دوره صفویه و افشاریه)، ترجمه: محمد باقر آرام و عباسقلی غفاری فرد، تهران: امیر کبیر.
- اسمیت، یان و موسی بیگ، ۱۳۵۶، اولین سفرای ایران و هلند؛ موسی بیگ و یان اسمیت، ترجمه: ویلم فلور به کوشش: داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان، تهران: کتابخانه طهوری.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ۱۳۵۷، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: صفی علیشاه.
- برازش، امیرحسین، ۱۳۹۲، روابط سیاسی-دیپلماتیک ایران و جهان در عهد صفویه، تهران: امیرکبیر.
- پژوهش گران کمبریج، ۱۳۸۹، تاریخ ایران دوره صفویان (دانشگاه کمبریج)، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: جامی.
- تاورنیه، ژان باپتیست، ۱۳۶۳، سفرنامه تاورنیه، ترجمه: حمید ارباب شیرانی، تهران: نیلوفر.
- روملو، حسن بیگ، ۱۳۸۴، احسن التواریخ، ج ۲، به تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: اساطیر.
- سیوری و دیگران، ۱۳۸۰، صفویان، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: مولی.
- سیوری، راجر، ۱۳۸۷، ایران عصر صفوی، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.
- شاردن، ژان، ۱۳۵۰، سیاحتنامه شاردن، جلد هفتم، ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیر کبیر.
- _____، ۱۳۷۲، سفرنامه شاردن، جلد چهارم، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: توس.
- شهریار نقوی، حیدر، ۱۳۵۱، "نمایندگان سیاسی ایران و هند در عصر صفوی"، مجله بررسی‌های تاریخی، سال ۷، ش ۶، آبان.
- صفاکیش، حمیدرضا، ۱۳۹۰، صفویان در گذرگاه تاریخ، تهران: سخن.
- فلسفی، نصرالله، ۱۳۴۲، چند مقاله تاریخی ادبی، تهران: دانشگاه تهران.
- فوران، جان، ۱۳۸۳، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه: احمد تدین، تهران: رسا.
- لاکهارت، لارنس، ۱۳۶۸، انقراض سلسله صفویه، ترجمه: مصطفی قلی عماد، تهران: مروارید.
- لسترنج، گئی، ۱۳۶۴، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه: محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- نوایی، عبدالحسین، ۱۳۸۳، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت.
- وحید قزوینی، محمد طاهر، ۱۳۲۹، عباسنامه، به تصحیح: ابرهیم دهگان، اراک: کتابفروشی داودی.
- _____، ۱۳۸۳، تاریخ جهان آرای عباسی، به تصحیح: سید سعید میرمحمدصادق، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ویلسون، سر آرنولد، ۱۳۶۶، خلیج فارس، ترجمه: محمد سعیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

